

بررسی شخصیت و عملکرد جعفر بن علی الهادی علیه السلام

قدرت الله غلمانی*

چکیده

جعفر بن علی - مکنی به ابو عبدالله - فرزند امام هادی علیه السلام، در سال ۲۲۶ ق در سامرا به دنیا آمد و پس از شهادت امام حسن عسکری علیه السلام با انکار فرزند برای ایشان و ادعای امامت به جعفر کذاب ملقب شد. جعفر فردی دنیا طلب، فاسق، متهم به شرابخواری و به زُق الخمر (ظرف شراب) ملقب شد. امام هادی علیه السلام از تولد جعفر شادمان نشد و فرمود: وی افراد زیادی را گمراه خواهد کرد. امام حسن عسکری علیه السلام از جعفر کناره گیری و از مصاحبت با وی اجتناب می نمود. شیعیان با توجه به احادیث ردّ فطحیه، امر امامت دو برادری را جز در مورد امام حسن و امام حسین علیهما السلام جایز نمی دانستند. از اینرو، پس از شهادت امام حسن عسکری علیه السلام و مواجهه با ادعای جانشینی جعفر، به صورت های مختلف وی را آزمودند و عدم صلاحیت جعفر برای منصب امامت، بیش از پیش برایشان آشکار شد. پیروان جعفر، در چگونگی جانشینی وی اختلاف داشتند. عده ای جعفر را جانشین بلافصل امام هادی علیه السلام و برخی دیگر او را جانشین برادرش سید محمد - که در زمان حیات پدرش رحلت کرد - و عده ای دیگر، جانشین امام حسن عسکری علیه السلام می دانستند. جعفر در سال ۲۷۱ ق درگذشت و در سامرا به خاک سپرده شد. برخی پیروان وی به فرزند او - ابوالحسن علی، نقیب ارشد سادات بغداد - رجوع کردند. برخی دیگر معتقد بودند که امامت میان ابوالحسن و خواهرش فاطمه تقسیم شده و پس از آن دو به دیگر بازماندگان جعفر رسیده است. با گذشت یک قرن، همه فرزندان جعفر به طریقه شیعه دوازده امامی پیوستند.

واژه های کلیدی:

جعفر بن علی الهادی، جعفر کذاب، جعفر تائب

*. دانش پژوه سطح سه رشته تاریخ تشیع، موسسه آموزش عالی حوزوی امام رضا علیه السلام و دانشجوی کارشناسی ارشد رشته علوم سیاسی دانشگاه باقرالعلوم علیه السلام.

مقدمه

افرادی از خاندان انبیاء، امامان و بزرگان، برخلاف روش و مشی آباء و اجداد خویش عمل نموده و اثرات نامطلوبی برجای گذاشتند. برخی از آنان، تا آخرین لحظه از اقدامات سوء خود دست برنداشته و برخی دیگر، در نهایت متنبه شده و حقیقت امر را دریافتند. اعمال این افراد، خسارت‌های جبران ناپذیری بر جای گذاشته است.

با شهادت امام حسن عسکری علیه السلام و آغاز امامت حضرت مهدی عج، جامعه دچار سردرگمی و بحران در امامت شد، جعفر فرزند امام هادی علیه السلام با ادعای امامت، گروهی را تحت تأثیر اقدامات خود قرارداد و از خط اصولی امامت منحرف شد. جعفر که هیچ گونه صلاحیت اخلاقی، علمی، اجتماعی و سیاسی نداشت، در معرض انتخاب گروهی مغفول قرار گرفت و در جامعه تشیع انشعاب بوجود آورد.

با بررسی عملکرد جعفر و بازشناسی این شخصیت که منتسب به خاندان امامت و ولایت بود، نکات مهمی از تاریخ برای ما روشن می‌شود، شیوه برخورد امامان معصوم و شیعیان حقیقی با انحرافات جعفر، تأثیر سطح آگاهی دینی شیعیان در مواجهه با افراد کذاب و دروغگوی مدعی امامت و جانشینی امام، شناخت فتنه‌ها در جامعه شیعه و راه‌های مقابله با آن، شناخت دست‌های آلوده در اطراف زندگی خاندان عصمت، استفاده دستگاه‌های غاصب از سست عنصرانی نظیر جعفر، شناخت شیوه‌ها، طرح‌ها و توطئه‌های دشمنان در ضربه زدن به پیکره امامت از طریق منسوبین ائمه، بیانگر ضرورت و اهمیت این تحقیق است. همچنین می‌توان از شیوه مدیریتی ائمه در مواجهه با انحرافات جعفر و پیامدهای آن در میان شیعیان، تصویر واضحی به دست آورد و امروز که مدعیان مهدویت در لباس جدیدی ظهور می‌کنند، به کار برد و چگونگی دفاع از حریم امامت و مهدویت را شناخت.

درباره شخصیت جعفر، نوشته‌های کوتاه و پراکنده‌ای در کتاب‌های تراجم، نسب شناسی و تواریخ عمومی دیده می‌شود اما منظم و مبسوط نیستند و بیش‌تر، به یکی از انحرافات جعفر پرداخته‌اند، لذا این تک‌نگاشته‌ها - که اشکالات فراوانی به خصوص در



حوزه نقل سند و اکتفا به منابع فارسی دارند - راه به جایی نمی‌برند. این تحقیق با استفاده از منابع اصلی به بررسی عملکرد و شخصیت جعفر بن علی علیه السلام پرداخته است. پرسش اصلی این تحقیق آن است که شخصیت و عملکرد جعفر بن علی الهادی علیه السلام در عصر عسکریین علیهم السلام و حضرت ولیعصر (عج) چگونه بوده است؟ و این پرسش‌های فرعی که؛ برخورد امام هادی علیه السلام، امام حسن علیه السلام و ولیعصر (عج) با جعفر چگونه بوده است؟ جعفر برای اثبات امامت خود دست به چه اقداماتی زد؟ تعامل جعفر با خلفای عباسی چگونه بود؟ او دارای چه شخصیتی بود؟ و سرانجام آیا توبه کرد و یا بر عقیده سست خود باقی ماند؟.

بنا به فرضیه ما؛ جعفر بن علی الهادی علیه السلام علی‌رغم زندگی در دوران سه امام معصوم علیهم السلام، گرفتار هوای نفس و آلودگی دنیوی شد و باعث مزاحمت و شکاف‌هایی در صفوف شیعه گردید اما توفیق توبه نصیب او شد و به جعفر تائب ملقب گشت. در سازماندهی تحقیق با استفاده از منابع دست اول و پژوهشی، شخصیت و عملکرد جعفر بن علی الهادی علیه السلام را در سه دوره مهم:

- ۱- زندگی و عملکرد جعفر در دوران - پدرش - امام هادی علیه السلام؛
- ۲- زندگی و عملکرد جعفر در دوران - برادرش - امام حسن عسکری علیه السلام؛
- ۳- زندگی و عملکرد جعفر در دوران امام زمان (عج) مورد تحقیق قرار گرفته است.

نسب شناسی جعفر بن علی الهادی علیه السلام

شیخ مفید برای امام هادی علیه السلام، پنج فرزند به نام‌های؛ امام حسن عسکری علیه السلام، حسین، محمد، جعفر کذاب^۱ و عایشه ذکر نموده، ولی نسل آن حضرت از امام حسن عسکری علیه السلام و جعفر می‌باشد.^۲ مادر جعفر کنیزی به نام «حدق» است.^۳ کلینی در ذکر مادر امام حسن می‌فرماید: مادر ایشان کنیزی به نام سوسن (یا حدیث) بود و از همسر

۱. ابن ابی الثلج، تاریخ اهل بیت، ص ۱۱۱ - مفید، الارشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، ج ۲، ص ۳۱۲، ۳۱۳ «و جعفر المدعی الامامة المعروف بالكذاب». محمد بن جریر بن رستم طبری، دلائل الامامة، ص ۴۱۲.
۲. جمال الدین یوسف بن حاتم شامی، الدرالنظیم فی مناقب الائمة اللهامیم، ص ۷۳۴.
۳. ابن صوفی نسابه، المجدی فی انساب الطالبین، التحقیق احمد مهدوی الدامغانی، ص ۳۳۰.

دیگری نام برده نشده است.^۱ صاحب‌المجدی می‌فرماید: مادر جعفر کنیزی به نام (حدق) بود، که این نام جزء نام‌های سوسن نیست. از طرف دیگر، اقدامات قبیح جعفر در مقابل سوسن، بیانگر آن است که سوسن مادر جعفر نمی‌باشد. مادر جعفر، کنیز دیگری که همسر امام هادی علیه السلام بود، می‌باشد.^۲ جعفر در سال ۲۲۶ ق به دنیا آمده است.^۳

دلیل ملقب شدن جعفر بن علی به جعفر کذاب

جعفر پس از شهادت امام هادی علیه السلام، ادعای امامت کرد ولی امام حسن عسکری علیه السلام اجازه هیچ‌گونه خودنمایی به او نداد اما پس از شهادت امام حسن عسکری علیه السلام، او فرصت ادعای امامت یافت و جمعی را به گمراهی کشاند و از این رو به جعفر کذاب شهرت یافت.

امام سجاد علیه السلام فرمود: «... پدرم از پدرش و او نیز از رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم روایت کرد: زمانی که فرزندم جعفر بن محمد متولد شد او را صادق نام بگذارید؛ چرا که پنجمین نسل از فرزندان او متولد می‌شود که نام او نیز جعفر است و ادعای امامت می‌کند و بر خداوند دروغ می‌بندد و او نزد خداوند، جعفر کذاب است... با پدرش مخالفت می‌کند و بر برادر خود حسادت می‌ورزد... گویا جعفر کذاب را می‌بینم که طاغوت زمانش را برای تفتیش امر ولی الله وادار می‌کند. جعفر به ولادت آن حضرت جاهل و ناآگاه است و اگر به او دست یابد، به قتل او حریص است و به میراث او چشم طمع دوخته تا آنکه آنها را بدون حق بگیرد و تصاحب کند». امام سجاد علیه السلام در جواب راوی که پرسید: یابن رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم آیا این امر واقع می‌شود؟ فرمود: «بله به خدا قسم این مکتوب است در صحیفه‌ای که در پیش ماست و در آن صحیفه هر چه از سختی‌ها پس از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم بر ما می‌گذرد مذکور است». ^۴ جعفر در صحیفه‌ی ائمه علیهم السلام «کذاب» ثبت شده است. امام زمان علیه السلام نیز طی توقیعی او را دروغگو دانست و در میان شیعیان به جعفر کذاب مشهور

۱. کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۵۰۳ باب مولد ابی محمد الحسن بن علی علیه السلام.

۲. محمد هادی یوسفی غروی، موسوعه تاریخ الاسلامی، ج ۸، ص ۴۸۹.

۳. ابن صوفی نسابه، المجدی فی انساب الطالبین، ص ۲۳۰.

۴. صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، صص ۳۱۹ - ۳۲۰. فضل بن حسن طبرسی، اعلام الوری بأعلام الهدی، ج ۲،

ص ۱۹۵. محمد بن جریر طبری، دلائل الإمامه، ص ۲۴۸. ابن شهر آشوب مازندرانی، المناقب، ج ۴، ص ۲۷۲.

شد.^۱

الف: شخصیت و عملکرد جعفر بن علی الهادی علیه السلام در دوران امام هادی علیه السلام

جعفر دوران نوجوانی و جوانی، را در حیات پدرش امام هادی علیه السلام سپری نمود و در شهادت پدر در سال ۲۵۴ هـ.ق، حدود ۲۸ سال سن داشت. شیخ صدوق رحمته الله نقل می نماید که: هنگام ولادت جعفر، همه اهل خانه، به جز خود امام علیه السلام، خوشحال بودند. حضرت در بیان عدم خوشحالی خود فرمود: او خلق فراوانی را گمراه خواهد کرد.^۲

دستور امام هادی علیه السلام برای دوری مردم از جعفر

امام هادی علیه السلام به یارانش فرمود: از جعفر اجتناب کنید، او برای من به منزله حام - پسر نوح - است نسبت به حضرت نوح که خداوند در حق او فرمود: «ای نوح^۳ او از کسان تو نیست که آن عملی غیر صالح است.»^۴

امام هادی علیه السلام، به یاران خود فرمود: همانا جعفر دشمن من است، اگر چه فرزند من است... حسن امام بعد از من است.^۵ او از تعالیم دین خارج و زیر بار فرمان من نیست.^۶

ب. شخصیت و عملکرد جعفر در دوران امام حسن عسکری علیه السلام

تلاش برای غصب امامت و حسادت به امام حسن عسکری علیه السلام

پس از شهادت امام هادی علیه السلام، جعفر در امامت طمع داشت و نسبت به برادر خود حسد می ورزید. امام حسن عسکری علیه السلام فرمودند: به خدا قسم مثل من و او، مثل هابیل و قابیل از فرزندان آدم است، آن جا که قابیل از هابیل در آنچه خداوند بر او از فضلش بخشیده بود، حسد ورزید و او را به قتل رسانید و اگر برای جعفر هم زمینه اش آماده

۱. احمد بن علی طبرسی، الاحتجاج علی اهل اللجاج، ج ۲، ص ۴۶۹.

۲. علی بن حسین مسعودی، اثبات الوصیة للإمام علی بن ابیطالب، ص ۲۳۹، صدوق، کمال الدین و تمام النعمة، ج ۱، ص ۳۲۱. شیخ طوسی، الغیبة، ص ۲۲۶.. حسین بن عبدالوهاب، عیون المعجزات، ص ۱۳۲.

۳. حسین بن حمدان خصیبی، الهدایة الکبری، ص ۳۸۱ - ۳۸۲.

۴. هود، آیه ۴۶.

۵. حسین بن حمدان خصیبی، الهدایة الکبری، ص ۳۲۰.

۶. سید محمد صدر، تاریخ الغیبة، ج ۱، ص ۲۹۹.

بود، مرا به قتل می‌رساند و لکن خواست خداوند چنین نیست که او موفق به این امر گردد.^۱

شراب خواری جعفر

از القاب جعفر «زق الخمر»، «کرین» و «کذاب» است.^۲ داود بن قاسم جعفری نقل می‌کند: در زندان بودیم که امام حسن عسکری علیه السلام و جعفر را دستگیر و به زندان آوردند... جعفر با صدای بلند گفت: واشطناه (نام کنیز خود را برد) و آثار مستی وجودش را فرا گرفته بود. طولی نکشید که جعفر در جایی که نشسته بود به خواب رفت.^۳ جعفر در کنار دجله همراه آوازه خوانان مشغول شرب خمر می‌شد.^۴ حضرت بقیه الله (عج) در فرازی از توقیع شریف خود، به ظرف‌های مشروبی که جعفر در خانه نگهداری می‌کند اشاره می‌نماید.^۵ اهل خانه او می‌گفتند: لباس‌های زنانه می‌پوشد و برای او تار و طنبور می‌زنند و شرب خمر می‌کند.^۶

جانبداری جعفر کذاب از فارس بن حاتم

فارس بن حاتم بن ماهویه قزوینی، از جمله وکلای مبرز و شناخته شده امام هادی علیه السلام بود که رو به انحراف نهاد و اموال امام را سرقت کرد و با وکیل درست کردار امام هادی علیه السلام - علی بن جعفر همانی - درگیر شد. نزاع بین دو دستیار اصلی امام علیه السلام، به دشمنی سخت انجامید و برخی از شیعیان، از پرداخت وجوه شرعی به امام خودداری کردند. امام هادی علیه السلام، علی بن جعفر را تأیید و فارس بن حاتم را فریبکار نامید. فارس همه اموال را تصاحب و دست خط جعلی مبنی بر وصول اموال، به امام هادی علیه السلام نسبت داد. امام علیه السلام، عدم وصول اموال را به اطلاع علی بن عبیدالله دینوری رساند و او را از تحویل اموال به فارس منع کرد. فارس بن حاتم، پس از صدور دستور امام هادی علیه السلام

۱. حسین بن حمدان خضیبی، الهدایة الکبری، ص ۳۸۲.

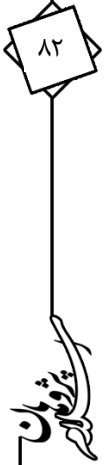
۲. ابن صوفی نسابه، المجدی فی الانساب الطالبین، ص ۳۲۶. فضل بن حسن طبرسی، تاج الموالید، ص ۱۰۴.

۳. طوسی، الغیبة، ص ۲۲۷. قطب راوندی، الخرائج و الحرائج، ج ۲، ص ۶۸۲.

۴. صدوق، کمال الدین و تمام النعمة، ج ۲، ص ۴۷۷.

۵. احمد بن علی طبرسی، الاحتجاج علی اهل اللجاج، ج ۲، ص ۴۶۹.

۶. حسین بن حمدان خضیبی، الهدایة الکبری، ص ۳۸۲.



درباره لعن و طرد او، به طور علنی شروع به مبارزه بر علیه امام علیه السلام کرد. امام هادی علیه السلام، در تصمیم بعدی خود، خون فارس را هدر اعلام و برای قاتل وی بهشت را تضمین نمودند. «جنید» - یکی از شیعیان مخلص و فداکار - فارس را به هلاکت رسانید^۱ و خود نیز از گرفتاری قتل فارس بن حاتم نجات یافت و تا آخرین لحظه حیات از سوی امام هادی و امام حسن عسکری علیه السلام مستمری دریافت می داشت. جعفر، طرفداران فارس بن حاتم را به دور خود جمع کرد. این گروه بی ادب و بی پروا در مورد امام عسکری علیه السلام، سخنان نادرست می گفتند و هواداران امام را بی شرمانه «حماریه» لقب می دادند و امام معصوم و هواداران آن حضرت را کافر می خواندند. رهبر این گروه، خواهر فارس بن حاتم بود. جعفر فارس بن حاتم را، به عنوان مردی پارسا و صاحب فضیلت می ستود و روش پدر و برادر خود را، تخطئه می کرد.^۲

ج. شخصیت و عملکرد جعفر در دوران امام زمان (عج)

ادعای امامت توسط جعفر کذاب

جعفر پس از برادر خود امام حسن عسکری علیه السلام، خود را در معرض تسلیت گویی مردم و تبریک برادعای امامت خود قرار داد. آماده اقامه نماز بر جنازه برادر شد، چنگ به دامن دولت عباسی زد تا زعامت شیعیان از طرف دولت به او واگذار شود.

نماز جعفر بر پیکر برادر

پس از شهادت امام حسن عسکری علیه السلام، جعفر به حیاط خانه وارد شد، تا بر جنازه امام حسن عسکری علیه السلام نماز گذارد. خواست تکبیر نماز را بگوید، کودکی، بیرون آمد و لباس جعفر را گرفت و او را کنار کشید و گفت: تأخر یا عم! فأنا احق بالصلاة علی ابی.^۳ عمو! عقب برو!، که من بر نماز خواندن بر پیکر پدرم، سزاوارترم. رنگ از چهره جعفر پرید، عقب رفت و آن کودک نماز خواند و پیکر مطهر او در کنار مرقد منور پدرش امام هادی علیه السلام به خاک سپرده شد.^۴ حاجز و شاء به جعفر گفت: جناب! این

۱. طوسی، الغیبة، شیخ طوسی، ص ۵۲۴، ح ۱۰۰۶. محمد بن عمر کشی، اختیار معرفه الرجال، ص ۵۲۴، ح ۱۰۰۶.

۲. محمدرضا جباری، سازمان وکالت و نقش آن در عصر ائمه علیهم السلام، صص ۶۵۰ - ۶۵۷.

۳. صدوق، کمال الدین و تمام النعمة، صص ۴۷۵ - ۴۷۶، ح ۲۵. سید محسن امین عاملی، اعیان الشیعه، ج ۲، ص ۴۳.

۴. فَتَأَخَّرَ جَعْفَرٌ وَقَدِ ارْتَبَدَ وَجْهُهُ فَتَقَدَّمَ الصَّبِيُّ فَصَلَّى عَلَيْهِ وَ دُفِنَ إِلَى جَانِبِ قَبْرِ أَبِيهِ

کودک چه کسی بود؟ (گویی در این اندیشه بود که او را تکان دهد و از خواب غفلت بیدار سازد و حجت را برای او تمام کند) جعفر پاسخ داد: بخدا سوگند! تاکنون نه او را دیده ام و نه می‌شناسم.^۱

ادعای جعفر کذاب بر عقیم بودن امام حسن عسکری علیه السلام

گروهی ادعای جعفر کذاب را که امام حسن عسکری علیه السلام عقیم است و فرزندى ندارد، پذیرفتند و در نتیجه جعفر را امام و جانشین ایشان معرفی نموده و از طرف برخی از مردم امام فرض شد.^۲

جعفر و ماجرای اموال خانه امام حسن عسکری علیه السلام

جعفر در شب شهادت امام حسن عسکری علیه السلام، برای تصاحب اموال برادر، به سراغ خزینه‌های خانه رفت و با خوشحالی آنها را مهر کرد و به منزل خود رفت. صبح آمد تا آنچه را که مهر بر آن زده بود، با خود ببرد. چون مهرها را باز کرد، جزاندکی باقی نمانده بود. خدمتگزاران و کنیزان را زد و آنها گفتند: سوگند به خداوند که دیدیم این متاع‌ها و ذخیره‌ها، بر شترانی که در شارع بودند بار می‌شد و ما قدرت حرکت و سخن گفتن نداشتیم، تا آنکه شتران به راه افتادند و درها به نحوی که بود، بسته شد. جعفر سر خود را از حسرت آنچه از خانه برده شده بود، به دیوار می‌کوفت.^۳ در چنین شرایطی حضرت صاحب الزمان (عج) به جعفر می‌فرمایند: ای جعفر برای چه متعرض حقوق من می‌شوی و سپس از دید جعفر غایب می‌شود و جعفر به دنبال آن حضرت می‌رود ولی او را نمی‌بیند.^۴ میراث آن حضرت، میان مادر (سوسن) و برادر (جعفر) تقسیم شد، در حالی که ادعای مادر امام مبنی بر اینکه وصی امام حسن عسکری علیه السلام است در نزد قاضی اثبات شده بود.^۵



۱. صدوق، کمال الدین و تمام النعمة، ص ۴۷۵، ج ۲۵. قطب رواندی، الخرائج و الحرائج، ج ۳، ص ۱۱۰۳.

۲. طوسی، الغیبه، صص ۱۰۶ و ۲۶۷.

۳. حسن بن حمد خصیبی، الهدایة الكبرى، ص ۲۴۸.

۴. قطب رواندی، الخرائج و الحرائج، ج ۲، ص ۹۶۰. طوسی، الغیبه، ص ۳۱۰. ابن شهر آشوب مازندرانی، المناقب، ج ۴،

ص ۴۲۲.. کلینی، اصول کافی، ج ۱، ص ۳۳۱.

۵. عباس قمی، منتهی الآمال، ج ۳، ص ۱۹۴۱.

استمداد جعفر کذاب از معتمد خلیفه عباسی جهت دستگیری امام عصر علیه السلام

جعفر همچنان بر حق ستیزی خویش اصرار داشت و به نزد معتمد خلیفه عباسی رفت. معتمد خانه امام حسن عسکری علیه السلام را مورد تفتیش قرار داد، اما هیچ کودکي نیافتند و نرگس بانو در آن وقت در قید حیات نبود و از صیقل، کنیز امام حسن عسکری علیه السلام آن کودک را طلب کردند. او برای حفظ جان آن حضرت، وجود امام مهدی علیه السلام را انکار کرده و ادعا نمود که باردار است. کنیز را تسلیم ابن ابی الشوارب قاضی نمودند و به مدت دو سال او را تحت مراقبت قرار دادند تا این که از باردار بودن مأیوس شدند، در این هنگام خبر مرگ ناگهانی عبدالله بن یحیی بن خاقان و شورش (صاحب زنج) در بصره، به آنان رسید و این باعث شد که آنان از کنیز دست برداشتند و او را آزاد کردند.^۱

ناتوانی جعفر کذاب از اثبات ادعای امامت خود

پس از شهادت امام حسن عسکری علیه السلام مصریان درباره امام زمان علیه السلام اختلاف کردند. برخی حضرت عسکری علیه السلام را بدون جانشین و گروهی می گفتند: برادر او جعفر جانشین اوست، دسته سوم گفتند: جانشین او فرزند اوست. فرستاده‌ای به همراه اموالی متعلق به امام زمان علیه السلام - به مکه فرستادند. او نیز فردی با کنیه ابوطالب، به همراه نامه‌ای، برای بررسی موضوع جانشینی امام حسن عسکری علیه السلام به سامرا فرستاد، آن مرد به نزد جعفر رفته و از او نشانه‌ای در ادعای امامتش طلبید. جعفر گفت: اکنون آماده دادن برهان امامت نیست. او به در خانه صاحب الامر علیه السلام رفت و نامه‌ای را به وسیله‌ی سفیران فرستاد، پاسخ آمد، خدا تو را در مصیبت رفیقت (مرد مصری) پاداش نیک دهد، او از دنیا رفت و مال همراه خود را به شخص امینی سپرد و به او وصیت کرد در آن مال هر گونه خواهد عمل کند و پاسخ نامه‌ی او را هم داد، جریان مرگ و وصیت آن مرد چنان بود که حضرت (عج) به او گفته بود.^۲

عده‌ای از جبال (مایین اصفهان تا زنجان و قزوین و همدان)^۳ و قم با اموالی وارد

۱. صدوق، کمال الدین و تمام النعمة، ج ۲، ص ۴۷۶. قطب راوندی، الخرائج و الحرائج، ج ۳، ص ۱۱۰۴.

۲. کلینی، اصول کافی، ج ۱، ص ۵۲۳، حدیث ۱۹ - مفید، الارشاد، ترجمه و شرح سید هاشم رسولی محلاتی، ج ۲، صص ۵۰۰ - ۵۰۱. محدث اربلی، کشف النعمة فی معرفة الائمة، ج ۲، ص ۹۵۷.

۳. یاقوت بن عبدالله حموی، معجم البلدان، بیروت: داراحیاء التراث العربی، ۱۴۲۹ ق، ج ۲، ص ۲۶.

سامرا شدند و جویای امام حسن عسکری علیه السلام شدند، که گفته شد حضرت وفات کرده است. آنان به جعفر وارد شدند و گفتند: ما گروهی از شیعیان هستیم که اموالی برای امام حسن عسکری علیه السلام آورده ایم. جعفر گفت: آنها را به من بدهید. گفتند: ما هر گاه مالی را خدمت امام حسن عسکری علیه السلام می آوردیم، می فرمودند: همه‌ی مال فلان مقدار است، فلان شخص این مقدار و از دیگری آن مقدار و نقش مهر چه می باشد. جعفر گفت: دروغ می گویند! به برادرم چیزی را که انجام نمی داد نسبت می دهید! پاسخ دادند: اگر تو امام هستی برای ما دلیل بیاور. جعفر نزد خلیفه از آنان شکایت کرد. خلیفه از آنان خواست که مال را به جعفر بدهند، آنان گفتند: ما مأموریم که اینها را به کسی بدهیم که با علامت و نشانه‌ای معین همراه باشد. خلیفه پرسید: علامت و نشانه شما با ابومحمد علیه السلام چه بوده است؟ گفتند: ابومحمد علیه السلام نوع دینارها و صاحبان آنها و مقدار آنها را بیان می کرد، اگر این مرد جانشین اوست باید کار برادرش را انجام دهد. جعفر گفت: اینها به برادرم دروغ می بندند و این علم غیب است. خلیفه پاسخ داد: اینان فرستاده‌ی دیگران هستند و «ما علی الرسول إلاّ البلاغ المؤمنین»^۱ جعفر مبهوت گردید و جوابی نیافت. آن گروه از خلیفه خواستند تا شخصی همراه آنان بفرستند تا از شهر خارج شوند، خلیفه نیز سرپرستی برای آنان معین کرد و همین که از شهر بیرون رفتند و نقیب بازگشت، جوانی نزد ایشان آمد و صدا زد: ای فلان! ای فلان! و ای فرزند فلانی! مولای خود را اجابت کنید. آنان گفتند: با او داخل خانه‌ی ابومحمد علیه السلام شدیم. قائم (عج) را در آن جا دیدیم، گویا پاره ماه است، حضرت لباسی سبز بر تن داشت بر او سلام کردیم و جوابمان را داد. سپس به توصیف تمام اموال، لباس، توشه، اثاثیه سفر و چهار پایان همراه ما پرداخت، ما اموال را به ایشان تحویل دادیم. حضرت به ابوالعباس محمد بن جعفر قمی مقداری حنوط و کفن داد و گفت: خداوند اجر تو را دربارہ مصیبت خودت بزرگ گرداند. همراهانش می گویند: زمانی که ابوالعباس به عقبه همدان رسید وفات کرد.^۲

۱. صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۴۷۷، ح ۲۶ باب ۴۳.

۲. کمال الدین و تمام النعمه، شیخ صدوق (م ۳۸۶ ق)، ج ۲، ص ۴۷۶، ح ۲۶ باب ۴۳. الخرائج و الحرائج، قطب راوندی

(م ۵۷۳ ق)، ج ۳، ص ۱۱۰۴ - ۱۱۰۸. بحارالانوار، علامه مجلسی (م ۱۱۱۱ ق)، ج ۵۲، ص ۴۷ - ۴۹، ح ۳۴

مرحوم صدوق علیه السلام در کتاب ارزشمند خود، پس از بیان این روایت می نویسد:

«این روایت نشانگر این واقعیت است که خلیفه غاصب عباسی هم از مقام شامخ امامت و ولایت آگاه بود و هم از شخصیت و جایگاه رفیع آن، به همین جهت هم از کاروانیان دست برداشت و به آنان فشار نیورد تا اموال را به جعفر تسلیم نمایند، چرا که او بر این اندیشه پلید بود که مسأله امامت و جانشینی حضرت امام حسن عسکری علیه السلام مخفی بماند و به دست فراموشی سپرده شود تا شاید مردم به سوی فرزند گرانمایه اش حضرت مهدی علیه السلام راه نیابند و او را نشناسند.»^۱

درخواست جعفر کذاب از عبیدالله یحیی بن خاقان برای به رسمیت شناختن مقام امامت او

جعفر در اقدام بعدی نزد عبیدالله یحیی بن خاقان - وزیر خلیفه عباسی - می رود تا بلکه از طریق حکومت مقام و منزلت برادرش را بیابد. احمد بن عبیدالله خاقان می گوید: جعفر کذاب نزد پدرم، آمد و گفت: «مقام برادرم را به من بده، در عوض من سالی ۲۰ هزار دینار برای تو می فرستم».^۲ پدرم به او تندی کرد و با خشم و ناسزا گویی به او گفت: ای احمق نادان! خلیفه، به روی معتقدین به امامت برادرت شمشیر کشید، تا آنها را از این اعتقاد برگرداند، نتوانست، بنابراین اگر شیعیان، امامت تو را قبول دارند، نیازی به خلیفه نداری و اگر آنها تو را به امامت، قبول ندارند، به وسیله ما هرگز نمی توانی به این مقام برسی. پدرم از آن پس، اصلاً به جعفر اعتنا نکرد، و تا زنده بود اجازه نداد که جعفر نزدش بیاید.^۳

تحریک حکومت برای دستگیری امام مهدی (عج)

جعفر همراه مأموران عباسی وارد خانه حضرت مهدی علیه السلام شد و همه جا را برای یافتن حضرت مهدی علیه السلام جستجو کردند و آن حضرت بدون آن که کسی متوجه شود از در خانه خارج شد و غیبت صغری آغاز شد. خلیفه دودمان امامت را محاصره کرد،

۱. کمال الدین و تمام النعمة، شیخ صدوق (م ۳۸۶ ق)، ج ۲، ص ۴۷۶. ۴۷۹، حدیث ۲۶، باب ۴۳.

۲. کلینی، اصول کافی، ج ۱ ص ۵۰۵، صدوق، کمال الدین و تمام النعمة، ج ۲، صص ۴۷۶. ۴۷۸، ح ۲۶

۳. کلینی، اصول کافی، ج ۱، صص ۵۰۶ و ۵۰۵ حدیث ۱، محدث اربلی، کشف الغمه فی معرفة الاثمة، ج ۲، ص ۹۱۵ - مفید، الارشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، با ترجمه و شرح سید هاشم رسولی محلاتی، ج ۲، ص ۴۵۷ - ۴۵۸. قطب راوندی، الخرائج و الحرائج، ج ۳، ص ۱۱۰۹.

اعضاء خانه امام حسن عسکری علیه السلام را به سیاه چال‌های زندان منتقل کرد.^۱ بار دیگر به دستور خلیفه، سربازان به فرماندهی «رشیق» همه‌ی حجره‌ها را گشتند تا در آن حجره که در آن پرده سفید آویزان بود، دریایی دیدند که در وسط آن کودکی نماز می‌خواند، سربازی تا به سراغ آن کودک آمد در میان آب غرق شد، دیگری نیز در حال غرق شدن بود که او را نجات دادند، حضرت با کمال وقار نماز را تمام کرد و سپس در پیش روی مأموران از حجره بیرون آمد. مأموران گویا چوب خشکی شده بودند. نتوانستند کوچک‌ترین آسیبی به حضرت حجت علیه السلام برسانند. تحریکات جعفر، خلیفه را بر آن داشت که همچون مراقبت فرعون از تولد موسی، جاسوس‌های فراوانی بر اهل منزل گمارد، حتی گروهی از کنیزان را به احتمال حامله بودن به زندان بردند.^۲

تلاش جعفر برای جلب حمایت شیعیان و اثبات امامت خود

جعفر در صدد برآمد تا با مکاتبه با شیعیان پدر و برادر، آنان را به طرف خود جلب کند. با نامه‌ای به احمد بن اسحاق قمی، از او اموال اهالی قم را طلب می‌کند. احمد، پس از مشورت با مردم قم، نامه‌ای به جعفر می‌فرستد و از او جواب مسائلی را می‌خواهد و اضافه می‌کند که این روشی است که ما نسبت به آباء و اجداد شما اعمال می‌نمودیم و تو نیز اگر جواب مسائل را بگویی ما اموال را به سوی شما ارسال خواهیم نمود. پیک قمی‌ها به سوی جعفر رهسپار می‌شود ولی هیچ‌گونه جوابی از جعفر نمی‌گیرد. احمد بن اسحاق قمی نامه‌ای به خدمت صاحب الزمان (عج) نوشته و نامه‌ی جعفر را نیز بدان الحاق نمود که پس از مدتی جواب آن نامه از طرف حضرت رسید. نامه با عالی‌ترین برهان و دلیل و لحن بسیار شدید، امامت جعفر را رد کرده بود.^۳ بخشی از آن نامه چنین است:

«او... با ادعایش دروغ بر خداوند بسته و نمی‌داند که به چه چیزی امید داشته که چنین ادعایی کرده است؟ آیا با آگاهی و فقاقتش در دین؟... یا به علم و دانشش؟ که

۱. طوسی، الغیبه، ص ۷۴.

۲. الاحتجاج علی اهل اللجاج، احمد بن علی طبرسی (م قرن ۶)، ج ۲، ص ۴۶۸.

۳. الاحتجاج علی اهل اللجاج طبرسی، ج ۲، ص ۴۶۸ - کشف الغمه فی معرفة الائمه، محدث اربلی، ص ۱۰۲۴.

حتی...اندازه نماز و اوقات آن را نمی‌داند. یا به ورع و پرهیزگاری اش؟...چهل روز نماز واجب را ترک کرده... و مشروبات در خانه اش نهاده است... یا به دلیل آیه و نشانی؟ پس آن را بیاورد. یا حجتی دارد؟ پس آن را اقامه کند و بپا دارد. یا دلیل و برهانی دارد؟ پس آن را متذکر شود. پس... او را آزمایش کن و از او بپرس تا یک آیه از قرآن را تفسیر کند... تا قدر و منزلت او را بشناسی و کمبودها و زشتی هایش بر تو آشکار شود. خداوند... از اینکه امامت و پیشوایی را در دو برادر - جز امام حسن علیه السلام و امام حسین علیه السلام - قرار دهد، خودداری نموده است...»^۱

حبس نمودن جاریه‌ها و کنیزان امام حسن عسکری علیه السلام

جعفر بر ماترک امام علیه السلام دست برد و کنیزان آن حضرت را حبس نمود و حتی اقدام به فروش برخی از آنها نمود که در ضمن آنها دختر بچه‌ای از اولاد جعفر بن ابیطالب علیه السلام... بود، پس از اطلاع اهل ناحیه از این واقعه، ۴۱ اشرفی نزد خریدار فرستادند و او را ملزم نمودند که آن دختر را به صاحبش - یعنی به سرپرست او از خاندان جعفر بن ابیطالب علیه السلام - رد کند.^۲

علت انحراف جعفر

ائمه علیهم السلام با آگاهی کامل به تمام مسائل تربیتی و رعایت دقیق آنها فرزندان صالحی را تحویل جامعه اسلامی دادند که جوامع اسلامی بهره‌های فراوانی از وجود این افراد برده‌اند و هر کدام منشأ خدمات زیادی شدند و امروزه نیز بارگاه و مرقدشان محلی برای جذب قلوب به سوی دین و معنویت است، اما تربیت صحیح به معنای سلب اختیار و جبر نیست. حتی کسی که در نهایت تربیت صحیح قرار گرفته، ممکن است در اثر عدم مراقبت و رعایت مسائل تربیتی و بروز عوامل انحراف، به سوی فساد کشیده شود. هر چند ائمه علیهم السلام و انبیاء الهی، فرزندان خود را تربیت صحیح نموده‌اند، ولی بعضی در اثر حسادت، حبّ جاه و مقام و همنشینی با افراد ناباب، دچار انحراف گردیدند. نباید نقش بعضی از مادران را از نظر دور داشت چون بر اساس قانون وراثت، انتقال صفات مادر به

۱. الغیبه، شیخ طوسی، ص ۲۸۷. ۲۹۰ حدیث ۲۴۶. احتجاج علی اهل اللجاج طبرسی، ج ۲، ص ۴۶۸.

۲. اصول کافی، شیخ کلینی (م ۳۲۹ ق)، ج ۱، ص ۵۲۴. بحارالانوار، علامه مجلسی، ج ۵۰، ص ۲۲۷.



فرزند، زمینه انحراف در آنها را آماده تر می‌کند. خداوند در مورد نوح می‌فرماید: «قال یا نوحُ اِنَّهُ لیسَ من اهلک، اِنَّهٗ عَمَلٌ غَیْرُ صَالِحٍ فَلَ تَسْتَلِنَ مَا لَیْسَ لَکَ بِهِ عِلْمٌ اِنِّیْ اَعْظُکَ اَنْ تَکُوْنَ مِنَ الْجَاهِلِیْنَ»^۱. فرمود: ای نوح! او از اهل تو نیست! او عمل غیر صالحی «فرد ناشایسته» است پس آنچه را از آن آگاه نیستی از من مخواه. من به تواندرز می‌دهم تا از جاهلان نباشی.

در مجموع می‌توان چهار عامل عمده در اسباب انحراف جعفر کذاب را نام برد:

۱- پیروی از هوای نفس. جعفر با دوستی و همنشینی با گمراهان از راه و رسم پدران گرانقدرش انحراف جست، ارتباط او با دستگاه ستم، دوستان و همنشینان آلوده و منحرف یکی از عوامل انحراف او است.

۲- جاه طلبی و دوستی ریاست و عشق به شهرت و قدرت.

۳- طمع به اموال و امکاناتی که انبوه دوستداران امام علیه السلام می‌دادند.

۴- حرص و آز در تأمین منافع نامشروع شخصی.

سرانجام جعفر کذاب

دست جعفر به اموال متعلق به امام علیه السلام نرسید، اموال خود را خورد تا به قدر قوت یک روز هم نماند، او ۲۴ فرزند و چند کنیز و خدم و حشم داشت. فقر او به جایی رسید که سوسن جده ابی محمد علیه السلام، آرد و گوشت و جو و کاه برای او و اولاد، خدم، حشم و غلامان او ارسال می‌کرد. او سرانجام در سال ۲۷۱ قمری در سن ۴۵ سالگی در سامرا درگذشت و در کنار قبر پدرش امام هادی علیه السلام - در سامرا - به خاک سپرده شد. منابع شیعه در پایان کار او دو دیدگاه دارند:

الف - جعفر همچنان برگناه خود باقی بود تا اینکه در گذشت، جعفر با آن همه گناه و ظلم در حق امام زمان (عج) توفیق توبه نیافت.

ب - جعفر هر چند در راه رسیدن به مقامی که شایسته آن نبود، تلاش فراوانی نمود و با افعال و اعمال سوء، موجب رنجش خاطر پدر، برادر و امام عصر علیه السلام را فراهم

ساخت، ولی در نهایت از کرده خود پشیمان شد و توبه نمود.^۱ شیخ طوسی آورده است که اسحاق بن یعقوب توسط محمد بن عثمان عمری علیه السلام نامه‌ای خدمت حضرت ولیعصر (عج) فرستاد و چند سؤال - از جمله در باره جعفر و عاقبت وی - مطرح کرد و حضرت پاسخ داد:

«پس بدان همانا بین خدا و بین احدی هیچ قرابتی نیست و هر کس «از اهل بیت ما» مرا انکار کند از ما نیست و راه او راه فرزند نوح علیه السلام می‌باشد و اما راه عمویم جعفر و فرزندان، همانند راه برادران یوسف (علی نبینا و آله و علیه السلام) می‌باشد».^۲

حضرت، منکرین خود را همانند فرزند نوح معرفی می‌کند ولی در مورد جعفر از تعبیر برادران یوسف استفاده می‌نماید، یعنی جعفر ابتدا در حق پدر و برادر خویش جفا نمود، ولی عاقبت از عملکرد بد خویش پشیمان شد و به راه حق بازگشت. استفاده از چنین عنوانی برای جعفر، نشان از بازگشت جعفر به راه حق و پذیرش امامت حضرت مهدی (عج) دارد و این یعنی توبه از تمام آنچه مدعی آن بود و پذیرش آنچه در ابتدا منکرش بود یعنی ولایت و امامت حضرت ولیعصر (عج). عده‌ای این سخن امام علیه السلام را اینگونه تفسیر کرده‌اند که مراد امام در توقیع مزبور، سابقه دار بودن گمراهی در فرزندان انبیاء و اولیاء بوده است.^۳ این تفسیر و تحلیل نمی‌تواند خدشه‌ای به بحث تائب بودن جعفر وارد کند؛ چون هنگامی که توقیعات امام عصر (عج) درباره جعفر را کنار هم قرار می‌دهیم نه تنها سابقه دار بودن گمراهی را در فرزندان انبیاء و اولیاء متوجه می‌شویم بلکه حضرت علیه السلام به تمام جوانب اعمال، رفتار و حتی اعتقادات و انحرافات جعفر اشاره کرده است و لذا با توجه به این توقیعات و به خصوص تصریح مبنی بر اینکه راه جعفر انکار من نبوده است و وی را در جرگه برادران یوسف آورده است، جعفر، مورد لطف، عنایت و بخشش امام عصر (عج) قرار گرفته است.

۱. مفید، الفصول العشره، ص ۶۲. ابن عنبه حسنی، عمدة الطلاب فی انساب آل ابی طالب، ص ۱۸۰.

۲. صدوق، کمال الدین و اتمام النعمه، ج ۴۲، ص ۵۱۰. شیخ طوسی، الغیبه، صص ۱۷۶ و ۲۹۰. احمدبن علی طبرسی،

احتجاج علی اهل اللجاج، ج ۲، ص ۴۷۰. محدث ارپلی، کشف الغمه فی معرفة الائمة، ص ۱۰۲۴.

۳. محمد بن عمر کشی، اختیار معرفة الرجال، قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۴ ق. ج ۱، ص ۱۰۷.

پیروان جعفر بن علی الهادی علیه السلام

پس از امام حسن عسکری علیه السلام عده‌ای اندکی بر امامت جعفر باقی بودند ولی در طول تاریخ منقرض شده و از بین رفتند. نوبختی می‌نویسد: عده‌ای اندکی قائل به امامت جعفر بن علی شدند و معتقد بودند که پس از آن که محمد بن علی (معروف به سید محمد و برادر جعفر) از دنیا رفت پدرش وی را وصی قرار داد. در میان فرقه‌های بعد از امام حسن عسکری علیه السلام چهار فرقه، قائل به امامت جعفر پس از امام حسن عسکری علیه السلام بودند.^۱ پیروان جعفر در تاریخ به جعفریّه معروف‌اند.^۲ جعفریّه پیش از این بر پیروان امام جعفر صادق اطلاق می‌شد.^۳

پیروان جعفر درباره جانشینی وی اختلاف نظر داشتند. عده‌ای جعفر را جانشین بلافصل امام هادی علیه السلام می‌دانستند، برخی دیگر او را جانشین برادرش سید محمد که در زمان حیات پدرش رحلت کرد، و عده‌ای دیگر وی را جانشین امام حسن عسکری علیه السلام دانسته‌اند.^۴ در چگونگی به امامت رسیدن جعفر نیز میان صاحبان این آراء تفاوت‌هایی بوده که موجب انشعابات و پیدایش فرقه‌های دیگری شده است.^۵ فطحیه که امامت دو برادر را قبول داشتند، به جعفر رجوع کردند. ابن بابویه جعفر را پیشوای نسل دوم فطحیه لقب داده است.^۶ پیروان و فرزندان وی را با لقب زکی می‌شناختند.^۷ چون از اعقاب وی ۱۲۰ فرزند به وجود آمده است، ابوگرین (هر کر دلالت بر شصت دارد)^۸ از القاب دیگر اوست.^۹

۱. حسین بن موسی نوبختی، فرق الشیعه، تحقیق محمد صادق آل بحر العلوم، ص ۹۵. ۱۱۲.
۱. عباس اقبال آشتیانی، خاندان نوبختی، تهران، بی‌نا، ۱۳۷۵، ص ۱۶۳، سعد بن عبدالله اشعری، المقالات و الفرق، ص ۱۰۱.
۳. مدرسی طباطبایی مکتب در فرایند تکامل، ترجمه هاشم ایزدپناه، نیوجرسی، ۱۳۷۵، ص ۱۱۵.
۴. قاضی عبدالجبار، المعنی فی ابواب التوحید و العدل، ج ۲۰، تحقیق: عبدالحکیم محمود، قسم ۲، ص ۱۸۲.
۵. حسین بن موسی نوبختی، فرق الشیعه، پیشین، صص ۹۵. ۱۱۲، شهرستانی، الملل و النحل، صص ۱۵۱. ۱۵۲.
۶. شیخ صدوق، معانی الاخبار، تحقیق: علی اکبر غفاری، قم، ۱۳۶۱ق، ص ۶۵.
۷. حسین بن احمد عرشی، بلوغ المرام، حسین بن احمد عرشی، بیروت: بی‌نا، ص ۵۱.
۸. محمد علی حبیب آبادی، مکارم الآثار در احوال رجال دو قرن ۱۳ و ۱۴، ج ۳، اصفهان، ۱۳۵۱، ص ۹۸۷.
۹. ابن عنبه، عمده الطالب فی انساب آل ابی طالب، ص ۱۹۹.



فرزندان جعفر به سبب انتسابشان به امام رضا علیه السلام، به بنو الرضی^۱ یا رضویون و پیروان جعفر به نام سردسته آنها - علی الطاحن در کوفه - به طاحنیه معروف بودند.^۲ جعفر در سال ۲۷۱ ق درگذشت و در سامرا به خاک سپرده شد.^۳ رهبری پیروان جعفر به فرزندش، ابوالحسن علی - نقیب ارشد سادات بغداد - و پس از آن به دیگر بازماندگان جعفر رسید.^۴ شیخ مفید^۵ بیان داشته‌اند که در زمان وی، هیچ یک از فرزندان جعفر را نیافته‌اند که به طریقه درست شیعه دوازده امامی نپیوسته باشد.^۶ سعد بن عبدالله اشعری در ردّ آرای این فرقه کتابی با عنوان «الضیاء فی الردّ علی المحمّدیّه و الجعفریّه» نگاشته است.^۷

۱. علی بن محمد عمویی، المجدی فی انساب الطالبین، ص ۱۳۴.
۲. علی بن محمد عمویی، المجدی فی انساب الطالبین، صص ۱۳۵-۱۳۴.
۳. قاضی عبدالجبار، المغنی فی ابواب التوحید و العدل، پیشین، قسم ۲، ص ۱۸۲.
۴. شهرستانی، الملل و النحل، صص ۱۵۱، ۱۵۲. مدرسی طباطبایی، مکتب در فرایند تکامل، صص ۱۱۹، ۱۲۲.
۵. شیخ مفید، الفصول العشرة فی الغیبة، ص ۶۵، شیخ مفید، الفصول المختاره، ص ۳۱۲.
۶. مدرسی طباطبایی، مکتب در فرایند تکامل، صص ۱۲۰، ۱۲۲.
۷. احمدین علی نجاشی، فهرست اسماء مصنفی الشیعه، تحقیق: سید موسی شبیری زنجانی، قم، ۱۴۰۷، ص ۱۷۷، محمد محسن آقابزرگ طهرانی، الذریعه الی تصانیف الشیعه، بیروت: ۱۴۰۳ق، ج ۲۴، ص ۲۳۱.

نتیجه گیری

رفتارهای جعفر، باعث رویگردانی شیعه از او و دنباله رو نایب اصلی امام حسن عسکری علیه السلام باشد. برای حفظ جان حضرت مهدی (عج) تولد ایشان، مخفی نگاه داشته شده بود و اکثریت مردم از آن، بی خبر بودند، هر چند که یاران خاص امام عسکری علیه السلام، اطلاع داشتند. جعفر کارش به جایی رسید که حضرت عسکری علیه السلام او را برادر، یاور و محرم اسرار خویش نمی انگاشت و فرزند گرانمایه اش حضرت مهدی علیه السلام را به شیعیان مورد اعتماد، نشان می داد و خبر ولادت او را به دوستان خاص گزارش می نمود اما جعفر را از این رخداد پرشکوه آگاه نساخت. گویی او هرگز نمی دانست که برادرش حضرت عسکری علیه السلام دارای فرزندی بنام مهدی علیه السلام است، شاید هم باخبر بود اما به دلیل آرزوها، اهداف و نقشه های جاه طلبانه اش، خود را به نادانی می زد و چنین وانمود می کرد که حضرت عسکری علیه السلام فرزندی ندارد و جعفر وارث، جانشین معنوی و امام پس از آن حضرت است.

پس از شهادت امام حسن عسکری علیه السلام ابتدا برخی از مردم، پیرو جعفر شدند و به او تعزیت گفته و بر امامتش تبریک گفتند. آنها سخن جعفر مبنی بر عقیم بودن امام حسن عسکری علیه السلام را پذیرفتند. بسیاری از آنها با وجود مشاهده امام زمان علیه السلام در زمان شهادت پدرش، کودکی و کمی سن ایشان را بهانه قرار داده و گفتند چگونه ممکن است کودکی ۵ ساله امام و حجت خداوند باشد و چون کسی را سراغ نداشتند، گرد جعفر جمع شدند. مردم در نهایت با اقدامات منفی و پی در پی جعفر و روشن گری های امام عصر (عج) بوسیله توقیعات، از جعفر روی برتافتند و به جستجوی امام پس از امام عسکری علیه السلام پرداختند. امام عصر (عج) با تعیین وکلایی با شیعیان ارتباط برقرار کرده و آنان را در مسیر اصلی و الهی امامت قرار دادند.

سرانجام جعفر با همه مشکلاتی که برای شیعیان و ائمه بوجود آورده بود، توبه کرد و مورد عفو و بخشش امام عصر (عج) قرار گرفت و به جعفر تائب مشهور شد.



فهرست منابع

* قرآن کریم

۱. ابن ابی الثلج، **تاریخ اهل البيت**، قم، آل البيت، ۱۴۱۰ ق.
۲. ابن بابویه، (محمد بن علی) **شیخ صدوق**، **معانی الاخبار**، تحقیق: علی اکبر غفاری، قم، ۱۳۶۱ ق.
۳. ابن صوفی نسابه، علی بن محمد عمری، **المجدی فی انساب الطالبین**، قم: کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی، ۱۴۲۲ ق.
۴. ابن عبدالوهاب، شیخ حسین، **عیون المعجزات**، قم، مکتبه الداوری، بی تا.
۵. ابن عنبه حسنی، **عمدة الطلاب فی انساب آل ابی طالب**، قم: انصاریان، ۱۴۱۷ ق
۶. اشعری، سعد بن عبدالله، **المقالات و الفرق**، تحقیق: محمدجواد مشکور، تهران، ۱۳۶۱ ش.
۷. آقابزرگ طهرانی، محمد محسن، **الذریعه**، تحقیق: علی نقی واحمد منزوی، بیروت: ۱۴۰۳ ق.
۸. اقبال آشتیانی، عباس، **خاندان نوبختی**، تهران، ۱۳۷۵ ش.
۹. امین، عاملی (م ۱۳۷۷ ق)، **سید محسن، اعیان الشیعه**، بیروت، دارالتعارف، ۱۴۰۳ ق.
۱۰. تستری، محمد تقی، **قاموس الرجال**، الطبعة الثانية، قم: مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۱۰ ق.
۱۱. جباری، محمدرضا، **سازمان و کالت و نقش آن در عصر ائمه علیهم السلام**، قم، مؤسسه امام خمینی علیه السلام، ۱۳۸۲ ش.
۱۲. حبیب آبادی، محمد علی، **مکارم الآثار در احوال رجال دو قرن ۱۳ و ۱۴ هجری**، ج ۳، اصفهان، ۱۳۵۱ ش.
۱۳. خصیبی، حسین بن حمدان، **الهدایة الكبرى**، انتشارات بلاغ، ۱۴۱۹ ق
۱۴. شامی، جمال الدین یوسف بن حاتم، **الدرالنظیم فی مناقب الائمة اللہامیم**، قم: جامعہ مدرسین، ۱۴۲۰ ق
۱۵. شهرستانی، محمد بن عبدالکریم، **الملل و النحل**، تحقیق: محمد بن فتح الله بدران، قاهره، افسست، قم، ۱۳۶۷ ش.
۱۶. صدر، سید محمد، **تاریخ الغیبة**، بیروت، دارالتعارف، ۱۴۱۲ ق
۱۷. صدوق، **کمال الدین و تمام النعمة**، تهران، اسلامیه، ۱۳۹۵ ق
۱۸. طبرسی، فضل بن حسن، **تاج الموالید**، بیروت، دارالقار، ۱۴۲۲ ق.
۱۹. _____، **اعلام الوری بأعلام الهدی**، قم، آل البيت، ۱۴۱۷ ق
۲۰. طبرسی، احمد بن علی، **الاحتجاج علی اهل اللجاج**، قم، اسوه، بی تا.
۲۱. طبری، عمادالدین حسن بن علی، **تحفة الأبرار فی مناقب الائمة الاطهار علیهم السلام**، تهران، میراث مکتوب، ۱۳۷۶.

۲۲. طبری، محمدبن جریر بن رستم، **دلائل الإمامه**، قم، بعثت، ۱۴۱۳ق.
۲۳. طوسی، **الغیبة**، قم، دارالمعارف الاسلامیه، ۱۴۱۱ق
۲۴. عبدالجبار، قاضی، **المغنی فی ابواب التوحید و العدل**، تحقیق: عبدالحکیم محمود و دیگران، قاهره، بی تا.
۲۵. عرثی، حسین بن احمد، **بلوغ المرام**، انستاس ماری کرملی، بیروت، بی تا.
۲۶. قطب راوندی، **الخرائج و الحرائج**، قم: مدرسه الامام المهدي (عج)، ۱۴۰۹ ق
۲۷. کاشفی سبزواری، ملاحسین، **روضه الشهداء**، قم، نوید اسلام، ۱۳۸۲ ش
۲۸. کشی، محمد بن عمر، **اختبار معرفة الرجال**، قم: کتابخانه آیت الله مرعشی، ۱۴۰۴ق.
۲۹. کلینی، الکافی، تهران، انتشارات اسلامیه، ۱۳۶۲ ش
۳۰. مازندرانی، ابن شهر آشوب، **المناقب**، قم: انتشارات علامه، ۱۳۷۹ ق
۳۱. مالکی، ابن صباغ، **الفصول المهمه فی معرفة الائمة علیهم السلام**، قم: دارالحدیث، ۱۴۲۲ق.
۳۲. مجلسی، محمدباقر، **بحار الانوار الجامعة لدرر اخبار الائمه الطهار**، تهران: اسلامیه، ۱۳۶۳.
۳۳. محدث اربلی، **کشف الغمه فی معرفة الائمة**، قم: انتشارات رضی، ۱۴۲۱ ق
۳۴. مدرسی طباطبایی، حسین، **مکتب در فرایند تکامل**، ترجمه هاشم ایزدپناه، نیوجرسی، ۱۳۷۵ش.
۳۵. مسعودی، علی حسین، **اثبات الوصیة للامام علی بن ابیطالب**، قم: انصاریان، ۱۴۲۶ ق
۳۶. مفید، **الارشاد فی معرفة حجج الله علی العباد**، قم: کنگره شیخ مفید، ۱۴۱۳ ق
۳۷. مفید، **الفصول العشره**، قم: کنگره شیخ مفید، ۱۴۱۳ ق
۳۸. نجاشی، احمدبن علی، **فهرست اسماء مصنفی الشیعه**، تحقیق: سید موسی شبیری زنجانی، قم، ۱۴۰۷ق.
۳۹. نوبختی، حسن بن موسی، **فرق الشیعه**، تحقیق: محمدصادق آل بحر العلوم رحمته الله، نجف، ۱۳۵۵.
۴۰. یاقوت بن عبدالله حموی رومی بغدادی، **معجم البلدان**، داراحیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۲۹ ق.
۴۱. یوسفی غروی، محمد هادی، **موسوعة التاريخ الاسلامی**، قم: شریعت، ۱۴۲۰ ق.

